

رساله

# منابع فقه شيعه



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



## پیشگفتار

واژه "فقه" در لغت عربی، به معنای فهم، هوش، زیرکی، آگاهی، و دانش است.

اما این کلمه در اصطلاح علمی، به معنای دانشی است که پیرامون احکام شرعیه فرعیه عملیه و موضوعات شرعی آن بحث می کند که از منابع و ادله تفصیلی، استنباط می گردد.

بنا بر این، علم فقه، تنها شامل احکام است و با ذوات و صفات، سر و کاری ندارد. همچنین، فقه، مختص احکام شرعیه است، و بنا بر این، احکام و مسائل علوم دیگر را در بر نمی گیرد. همچنین با قید "فرعیه عملیه" به این نتیجه می رسیم که این دانش، شامل احکام اصولی و اعتقادی نمی گردد.

از قید "ادله تفصیلی" نیز بدست می آید که علم به احکام و مسائل شرعیه فرعیه که از رساله یک مرجع تقلید اخذ شود، مشمول تعریف علم فقه

نمی باشد. بنا بر این، دانش فقه، باید استدلالی باشد، و استنباط آن نیز، از ادله تفصیلی صورت پذیرد که در بحث منابع فقه، تبیین می گردد. در این رساله ، تلاش خواهیم کرد تا مهمترین منابع و مصادر مذکور را از دیدگاه شیعه امامیه ، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

\*\*\*\*\*

## منابع فقه شیعه چیست؟

شیعیان به پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به منظور استنباط احکام شرعی، از چهار منبع اساسی به شرح زیر، بهره مند می گردند:

1 - کتاب خدا (قرآن مجید).

2 - سنت (روایات صحیح اسلامی).

3 - اجماع (اتفاق آراء همه فقهای شیعه، به نحوی که کاشف از حکم امام معصوم باشد).

4 - عقل (به نحوی که در علم اصول فقه، بیان گردیده است).

از آنجا که در میان منابع یاد شده، قرآن و سنت، اساسی ترین سرچشمه زلال فقه شیعه به شمار

می روند، پیرامون این دو منبع اصلی، توضیحاتی را  
ارائه خواهیم نمود.

\*\*\*\*\*

## کتاب خدا، قرآن

پیروان مکتب تشییع، قرآن را به عنوان استوارترین منبع فقه خویش و معیار شناخت احکام الهی می دانند؛ زیرا پیشوایان شیعه این کتاب آسمانی را والاترین مرجع برای بدست آوردن احکام فقهی، معرفی نموده اند، بدینگونه که هر نظریه ای باید با سخن قرآن، سنجیده شود و در صورت مطابقت با آن، پذیرفته گردد وگرنه از آن اعراض به عمل آید.

ششمین پیشوای شیعه، امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«و کُلِّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زَخْرَفٌ». (اصول کافی، ج 1، کتاب فضل العلم، باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب، حدیث 3).

- هر سخنی که با قرآن هماهنگ نباشد، بی پایه است.

همچنین امام صادق (علیه السلام) از پیامبر گرامی  
(صلی الله علیه و آله)، چنین نقل می کند:

«آیها الناس ما جاءكم عنی یوافق کتاب الله فأنا فلتة  
و ما جاءكم یخالف کتاب الله فلم أقله». (مدرك سابق،  
حدیث 5).

- ای مردم، هر سخنی که به من نسبت دهند، اگر  
با کتاب خدا هماهنگ است، از من می باشد و اگر  
با آن سازگار نباشد، از من نیست.

با این دو حدیث، به روشنی معلوم می گردد کتاب  
آسمانی مسلمانان از دیدگاه پیشوایان شیعه،  
استوارترین منبع استنباط احکام شرعی، به شمار  
می رود.

\*\*\*\*\*



## سنّت

سنّت، به معنای گفتار، رفتار و تأیید کاری توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، دومین سرچشمه زلال فقه شیعه می باشد و امامان از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بطور مستقل، به عنوان ناقلان سنّت پیامبر و گنجینه علوم وی قلمداد می گردند.

البته سخنان پیامبر گرامی در صورتی که از طرق معتبر دیگر نیز وارد گردد، مورد پذیرش شیعه می باشد.

در اینجا سزاوار است در زمینه های ذیل، به بحث و بررسی پردازیم و دلائل تمسک به سنّت را به صورت کلی شرح دهیم و آنگاه، ادله تمسک و اعتبار احادیث اهل بیت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را از نظر شما بگذرانیم.

## دلایل تمسک به سنت

پیشوایان شیعه، در کنار توصیه پیروان خود به قرآن، آنان را به سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز سفارش نموده اند و کتاب و سنت را در کنار یکدیگر ستوده اند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجِدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ إِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ». (اصول کافی، ج 1، کتاب فضل العلم، باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب، حدیث 2).

- هرگاه سخنی به شما رسید، اگر در کتاب خدا و گفتار پیامبر گرامی، گواهی بر آن یافتید بپذیرید و گرنه آن سخن برای آورنده آن، سزاوارتر است.

همچنین امام محمد باقر (علیه السلام) تمسک به سنت پیامبر را شرط اساسی فقیه جامع الشرایط دانسته و چنین می فرماید:

«إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيه، الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا، الرَّاعِبُ فِي الآخِرَةِ، الْمَتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّؐ». (اصول کافی، ج 1، کتاب فضل العلم، باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب، حدیث 8).

- فقیه واقعی کسی است که از دنیا بپرهیزد و مشتاق سرای واپسین باشد و به سنت پیامبر گرامی (ص) تمسک نماید.

رهبران بزرگ شیعه در مورد سنت تا آنجا پیش رفته اند که مخالفت با کتاب خدا و سنت پیامبر را مایه کفر دانسته اند. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«مَنْ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَقَدْ كَفَرَ». (مدرك سابق، حدیث 6).

- هر که با قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) مخالفت ورزد، کافر است.

با این بیان روشن می‌گردد که شیعه بیش از هر گروه دیگر اسلامی، به سنت پیامگر گرامی ارج می‌نهد و بدین سان، بی‌پایگی سخن آنان که شیعه را به بیگانگی از سنت پیامبر متهّم می‌نمایند، به ثبوت می‌رسد.

### **دلایل تمسک به احادیث اهل بیت**

به منظور روشن شدن سخن شیعه در مورد احادیث عترت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ناچاریم در دو زمینه، به بررسی پردازیم:

**الف:** ماهیت احادیث پیشوایان معصوم.

**ب:** دلایل اعتبار و لزوم تمسک به اهل بیت پیامبر.

اینک در پرتو دلایل روشن، با رعایت اختصار، به بررسی هر دو زمینه می‌پردازیم.

\*\*\*\*\*

## ماهیت احادیث عترت رسول خدا (ص)

از دیدگاه شیعه، تنها پروردگار جهان، دارای حقّ تشریح و قانونگذاری برای جامعه بشریت است که قوانین و احکام شرع مقدّس را بوسیله پیامبر خود، به جهانیان ابلاغ می نماید و روشن است که رسول خدا، تنها واسطه وحی و تشریح بین خدا و مردم می باشد و با این بیان روشن می گردد که اگر شیعه، احادیث اهل بیت را نیز از منابع فقه خود می داند، این بدان معنا نیست که برای آن در برابر سنّت پیامبر گرامی، اصالت و استقلال قائل باشد، بلکه اعتبار احادیث عترت، تنها بدان جهت است که بیانگر سنّت رسول خدا می باشد.

بنابراین، امامان معصوم شیعه، از خود سخنی ندارند و آنچه می گویند، همان سنّت پیامبر گرامی است.

در اینجا به منظور اثبات این سخن، شایسته می دانیم برخی از روایات عترت را بیاوریم:

1 - امام صادق (علیه السلام) به مردی که از ایشان

سؤال می پرسید، فرمودند:

«مهما أجبته في شيء فهو عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) لسنا نقول برأينا من شيء». (جامع احاديث الشيعة، ج 1، ص 129).

- هر پاسخی که به تو دادم، از پیامبر گرامی است و ما به رأی خود سخن نمی گوئیم.

و در جای دیگر می فرماید:

«حدیثی حدیثُ اَبی، و حدیث اَبی حدیث جدّی، و حدیث جدّی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله (صلى الله عليه وآله)، و حدیث رسول الله قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ». (مدرك سابق، ص 127).

- سخن من، سخن پدرم (امام باقر) و سخن پدرم، سخن جدّم (امام علی بن الحسین) است، و سخن جدّم سخن حسین بن علی و سخن حسین، سخن حسن بن علی و سخن امام حسن گفتار امیر مؤمنان و گفتار وی نیز سخن رسول خدا و سخن رسول خدا سخن خداوند بزرگ است.

2 - امام محمد باقر (علیه السلام) به جابر چنین می فرماید:

"حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَنْ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكُلَّمَا أَحَدْتُكَ يَهْدَا الْأَسْنَادُ". (مدرك سابق، صفحه 128).

- پدرم از جدّم رسول خدا برای من روایت فرمود و او نیز از جبرئیل و جبرئیل هم از خدای بزرگ روایت نمود، و آنچه برای تو روایت می کنم با این اسناد می باشد.

در پرتو روایات یاد شده، ماهیت احادیث پیشوایان  
شیعه که همان سنت پیامبر گرامی است، روشن  
می‌گردد.

\*\*\*\*\*



## دلایل اعتبار احادیث اهل بیت پیامبر

محدثان هر دو گروه شیعه و سنی برآنند که رسول خدا، دو میراث گرانبها از خود به جای گذاشته و همه مسلمانان را به پیروی از آنها دعوت نموده و سعادت و هدایت مردم را در گرو تمسک به آن دو دانسته است، یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگری اهل بیت و عترت خویش.

در اینجا به عنوان نمونه، برخی از این روایات را یادآور می شویم:

1 - ترمذی در صحیح خود از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول خدا (ص) ، چنین روایت می کند:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي.» (صحیح ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب اهل بیت النبی، ج 5، ط بیروت، ص662، ح 3786).

- ای مردم، من در میان شما دو چیز را به جای می گذارم که اگر بدانها تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترت خودم.

2 - همچنین ترمذی در کتاب یاد شده چنین می نگارد:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّي تَارِكٌ فَيْكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدٌ هُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا». (مدرك سابق، ص 663، ح 3788).

- پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: من در میان شما دو چیز را به جای خواهم گذاشت که اگر بدانها تمسک نمایید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد و یکی از آنها بر دیگری برتری دارد، کتاب خدا که بسان رشته اتصال میان آسمان و زمین است و

عترت و اهل بیت من، آنان هرگز از یکدیگر جدا نخواهند گشت تا در کنار حوض کوثر به من برسند، پس بنگرید چگونه پس از من با آن دو رفتار خواهید نمود.

3 - مسلم بن حجاج روایتی در صحیح خود از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) آورده که فرمود:

«ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب و أنا تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به فحث على كتاب الله و رعّب فيه ثم قال: و أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي» (صحیح مسلم، جزء 7، باب فضائل علی بن ابی طالب، ط مصر، صفحه 122 و 123).

- ای مردم، من بشری هستم که نزدیک است فرستاده خدا (قابض ارواح) به سراغم بیاید و من به او پاسخ دهم. من در میان شما دو یادگار گرانبها به

جای می گذارم؛ یکی از آنها «کتاب خدا» است که نور و هدایت را در بردارد، به کتاب خدا تمسک نمایید. آنگاه پیامبر مردم را به قرآن ترغیب نمود و چنین افزود: و «اهل بیت» من، شما را به اهل بیت سفارش می کنم، شما را به اهل بیت سفارش می کنم، شما را به اهل بیت سفارش می کنم.

4 - گروهی از محدثان از پیامبر گرامی روایت نموده اند که فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ  
إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ». (مستدرک  
حاکم، جزء 3، ص 148. الصواعق المحرقة، باب 11، فصل اول،  
ص 149).

- من در میان شما دو یادگار سنگین و گرانبها به  
جای می گذارم؛ یکی «کتاب خدا» قرآن و دیگری  
اهل بیت، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهد

گشت تا در روز رستاخیز در کنار حوض کوثر، به من  
برسند.

قریب به این مضمون نیز در کتابهای یاد شده در زیر  
به چشم می خورد:

- مسند احمد، جزء 5، ص 182 و 189.

- کنز العمال، جزء اول باب الاعتصام بالکتاب  
والسنّه، ص 44

یادآور می شود که حدیث در این زمینه، بیش از آن  
است که در این نوشتار بگنجد و محقق برومند سید  
میر حامد حسین، اسناد این روایت را در کتاب  
«عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ» که در شش جلد به چاپ رسیده،  
گردآوری نموده است.

در پرتو روایات یاد شده، به روشنی معلوم می گردد  
که تَمَسُّکٌ به اهل بیت پیامبر و پیروی از آنان، در  
کنار کتاب خدا و سنّت رسول گرامی، از ضروریات

اسلام و رها نمودن سخنان عترت، موجب ضلالت و گمراهی است.

اینك سؤالی كه خودنمایی می كند، این است كه عترت پیامبر كه اطاعت از آنان، به فرمان رسول خدا بر ما واجب گردیده، چه کسانی هستند؟ ولذا به منظور روشن شدن این مسأله، با استناد به روایات، به بررسی معنای عترت پیامبر (صلی الله علیه وآله) می پردازیم.

\*\*\*\*\*

## اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند؟

از روایات یاد شده روشن گردید که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) همه مسلمانان را به پیروی از عترت خود دعوت نموده و آن را در کنار کتاب خدا، به عنوان مرجع مردم پس از خویش قلمداد کرده و با صراحت تمام فرموده است:

«قرآن و عترت هرگز از یکدیگر جدا نخواهند گشت».

بر این اساس، اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) کسانی هستند که به حکم این که رسول خدا آنان را قرین قرآن معرفی فرموده، از مقام عصمت برخوردار بوده و از سرچشمه زلال معارف اسلامی، بهره مند باشند. زیرا در غیر این صورت، از کتاب خدا (قرآن) جدا خواهند شد، در حالی که پیامبر گرامی فرمود: قرآن و عترت از هم جدا نخواهند گشت تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

بدین سان، ضرورت شناختن دقیق اهل بیت و صفات  
برجسته آنان که تنها بر امامان شیعه - که همگی از  
عترت پیامبرند - منطبق است به ثبوت می رسد.

اینک در پرتو روایات محدثان بزرگ اسلامی، دلائل  
روشن خود را در این زمینه می آوریم:

1 - مسلم بن حجاج پس از بیان حدیث «ثقلین»،  
چنین گوید که:

«یزید بن حیان از زید بن أرقم پرسید:

أهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) چه کسانی  
هستند؟ آیا آنان، همسران پیامبرند؟ زید بن ارقم در  
پاسخ چنین گفت:

«لا وَايَمُ اللهُ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ  
الدَّهْرِ ثُمَّ يَطْلُقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا وَ قَوْمِهَا. أَهْلُ بَيْتِهِ  
أَصْلُهُ وَ عَصْبَتُهُ الَّذِينَ حُرِّمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ». (صحیح



مسلم، جزء 7، باب فضائل علیّ بن ابی طالب، ط مصر، ص  
(123).

- نه (چنین نیست)، به خدا سوگند زن برای  
برهه ای از زمان، با مرد (همراه) است، سپس آن  
مرد زن خود را طلاق می دهد تا نزد پدر و خویشان  
خود باز گردد. مقصود از اهل بیت پیامبر(صلی الله  
علیه وآله) کسانی هستند که اصل - یعنی دارای  
ریشه های عمیق قرابت - و از وابستگان او باشند،  
آنان که پس از پیامبر گرامی، از صدقه محرومند.

این روایت به روشنی بر این حقیقت گواهی  
می دهد که مقصود از «عترت پیامبر» که تمسک به  
آنان بسان پیروی از کتاب خدا واجب است،  
همسران آن حضرت نیستند، بلکه اهل بیت پیامبر  
کسانی هستند که علاوه بر انتساب جسمانی  
دارای وابستگی معنوی به وی، شایستگی ویژه ای  
باشند تا بتوان آنان را در کنار کتاب خدا به عنوان  
مرجع مسلمانان جهان، قلمداد نمود.

2 - پیامبر گرامی، تنها به بیان «اوصاف» اهل بیت اکتفا نفرمود، بلکه به «تعداد» آنان که دوازده تن می باشند نیز تصریح نمود:

مسلم از جابر بن سمره حکایت می کند:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وسلم - يقول: لا يزال الإسلام عزيزاً إلى اثني عشر خليفة. ثم قال كلمة لم أفهمها، فقلت لأبي: ما قال؟ فقال كلهم من قریش». (صحيح مسلم، ج 6، ص 3، ط مصر).

- از پیامبر گرامی شنیدم که فرمود: «اسلام به دوازده خلیفه، عزیز خواهد ماند». سپس سخنی گفت که من آن را نفهمیدم، از پدرم پرسیدم چه فرمود؟ پاسخ داد که فرمود: «همگی از قریش هستند».

مسلم بن حجاج همچنین از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین روایت می کند که:

«لا يزال أمر الناس ماضياً ما وليهم إنا عشر رجلاً». (مدرك سابق).

- امور مردم به شایستگی، سپری خواهد شد مادامی که دوازده مرد بر آنان فرمانروایی نمایند.

این دو روایت، گواه روشنی است بر گفتار شیعه که «امامان دوازده گانه شیعه، پیشوایان راستین مردم پس از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) هستند»، زیرا در اسلام، خلفای دوازده گانه ای که بلافاصله پس از رسول خدا، مرجع امور مسلمانان و مایه عزت و شوکت اسلام باشند، جز دوازده امام از اهل بیت پیامبر، مصداق دیگری ندارد؛ زیرا اگر از چهار خلیفه که در اصطلاح مسلمانان، به خلفای راشدین معروفند بگذریم، سایر زمامداران از بنی امیه و بنی عباس، با رفتارهای ناروایی که تاریخ بدانها گواهی می دهد، مایه ننگ اسلام و مسلمانان بوده اند.

بدین طریق، مقصود از «اهل بیت» که پیامبر گرامی، آنان را قرین قرآن و مرجع مسلمانان جهان معرفی نموده است، همان پیشوایان دوازده گانه از عترت پیامبرند که حافظان سنت رسول خدا و حاملان علوم او می باشند.

3 - امیرمؤمنان - علی بن ابیطالب (علیه السلام) -  
نیز، پیشوایان مسلمانان را از بنی هاشم دانسته است که این هم خود گواه روشن دیگری بر درستی سخن شیعه در شناخت اهل بیت می باشد، آنجا که می فرماید:

«إِنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ غَرَسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ - مِنْ  
بَنِي هَاشِمٍ لَا تَصْلِحُ عَلَيَّ مِنْ سِوَاهُمْ وَلَا تَصْلِحُ الْوَلَاةُ  
مِنْ غَيْرِهِمْ». (نهج البلاغه (صحیحی صالح) خطبه 144).

- امامان از قریش، در طائفه بنی هاشم قرار داده شده اند و دیگران شایستگی ولایت بر مردم را ندارند و فرمانروایی حاکمان دیگر بی اساس است.

نتیجه: از مجموع روایات یاد شده، چهره دو حقیقت آشکار می گردد:

**1 - تمسک به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله)**  
و پیروی از آنان، در کنار اطاعت از کتاب خدا، واجب است.

**2 - اهل بیت رسول خدا که به عنوان «قرین قرآن مجید» و مرجع همه مسلمانان معرفی گردیده اند، دارای ویژگی های زیر می باشند:**

**الف:** همه آنان از قبیله قریش و طائفه بنی هاشم می باشند.

**ب:** همه آنان دارای چنان قرابتی با رسول خدا هستند که صدقه بر آنان حرام است.

**ج:** همه آنان از مقام عصمت برخوردارند وگرنه از قرآن مجید عملاً جدا می گردیدند در حالی که پیامبر

گرامی فرمود: آن دو (قرآن و عترت) از یکدیگر جدا نخواهند گشت تا در کنار حوض کوثر به من برسند.

**د:** مجموع آنان، دوازده نفر باشد که بعد از رسول خدا، یکی پس از دیگری، ولیّ و پیشوای مسلمانان باشد.

**ه:** این دوازده خلیفه پیامبر (صلی الله علیه وآله) مایه عزّت و شوکت روزافزون اسلام باشند.

با در نظر گرفتن این اوصاف که از روایات بدست می آید، بسان آفتاب، روشن می گردد که مقصود پیامبر (صلی الله علیه وآله) از اهل بیت خود، که پیروی از آنان را به مسلمانان سفارش فرموده است، همان دوازده امام پاک از عترت پیامبر گرامی هستند که شیعه به پیروی و تمسک به آنان در شناخت احکام فقهی خویش، افتخار می کند.

با این بیان مستدلّ، به خوبی روشن می گردد که  
متابعت از این امامان معصوم، بر همه مسلمانان  
جهان واجب است، و پیروی از فرامین آنان پس از  
قرآن مجید، تضمین کننده سعادت انسان ها در دنیا  
و آخرت می باشد.

\*\*\*\*\*